



«فخر رازی»، فیلسوفی که از غذا خوردن ناراحت بود

به تعبیر شهید مطهری اگر چه فخر رازی شخصاً آرا و نظریات مثبت فیلسوفانه قابل توجهی نداشت اما نظریات منفی و تشکیکات او در اصول مسلم فلاسفه تأثیر فراوانی در پیشرفت مسائل فلسفی داشته است.

به تعبیر شهید مطهری اگر چه فخر رازی شخصاً آرا و نظریات مثبت فیلسوفانه قابل توجهی نداشت اما نظریات منفی و تشکیکات او در اصول مسلم فلاسفه تأثیر فراوانی در پیشرفت مسائل فلسفی داشته است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، فخرالدین محمد بن عمرو بن حسین بن حسن طبرستانی رازی معروف به امام فخر رازی و ابن الخطیب، در بیست و پنجم رمضان سال 544 هجری در ری متولد شد و در روز اول شوال سال 606 هجری در هرات فوت کرد. او در ری، در خانواده‌ای اهل علم که اصالتاً از طبرستان بودند، به دنیا آمد.

فخر رازی همانند زکریای رازی به سراسر ایران سفر کرد. ابتدا نزد پدر تلمذ کرد و پس از مرگ وی نزد مجدالدین گیلانی بهره جست. سپس به همراه استادش به مراغه و خراسان رفت و با آثار بوعلی سینا آشنا شد. سپس به ماورالنهر سفر کرد و نزد غیاث‌الدین و برادرش شهاب‌الدین که از سلاطین غور بودند، تقرب حاصل کرد.

وی که در تمام مدت عمر تألیف، تصنیف و موعظه می‌کرد و می‌گفت: من متأسفم که هنگام صرف غذا از اشتغال به کسب علم و معرفت باز می‌مانم. او تا پایان عمر در هرات بود و با لقب «شیخ الاسلام» خدمت کرد.

*شخصیت

او فقیه، متکلم، مفسر، فیلسوف، پزشک و خطیب ذی فنون بود. ذهنی فوق‌العاده جوال داشت و تألیفاتی گرانبها در فلسفه دارد که مهم‌ترین آنها شرح اشارات و تنبیهات و شرح عیون الحکمه ابن سینا و کتاب المباحث المشرقیه است. به تعبیر ابن خلدون، غزالی و رازی برای رد فلاسفه از روش خود فلاسفه بهره جستند. لذا او با بهترین اسلوب و با حسن سلیقه و تنظیم و تبویب، توانست در مقابل فلاسفه بایستد.

به تعبیر شهید مطهری اگر چه فخر رازی شخصاً آرا و نظریات مثبت فیلسوفانه قابل توجهی نداشت اما نظریات منفی و تشکیکات او در اصول مسلم فلاسفه تأثیر فراوانی در پیشرفت مسائل فلسفی داشته است.

شهرزوری که خود روش حکمای اشراقی را پسندیده بود، علیه رازی می‌گوید: با این که فخرالدین در علم و فلسفه در حکمت تصنیف و تألیف داشته و در مدت حیات خود مشغول تدریس آن بود، در عداد فلاسفه به شمار نمی‌آید و اشکالات او هم ناشی از کج فهمی و عدم فهم کلمات آنهاست.

*معرفت

فخر رازی علم را امری اشراقی توصیف کرده که از منبع فیض سرچشمه می‌گیرد. البته مقصود او نظریه نوافلاطونی نیست بلکه حصول معرفت به استعداد یا قابلیت نفس در کسب علم منظور است. او نظیر افلاطونی تذکری بودن معرفت را نمی‌پذیرد، زیرا نفس در نظر وی محدث و مخلوق در زمان است و لذا نمی‌تواند مقدم بر بدن باشد.

اینکه گفته شده است که فخر رازی منکر وجود ذهنی است به طور مطلق صحیح نیست چون او در المباحث المشرقیه که مهم‌ترین کتاب اوست، صریحاً به وجود صورت ذهنیه اعتراف می‌کند.

*خدا در زبان فخر رازی

در زبان فارسی لفظ خدای را به کار می‌برند. این کلمه در اصل «خود آی» است که «خود» دال بر ذات و «آی» به معنای آمدن است. خدای یعنی آنکه به نفس خویش در وجود آمد. پس کلمه خدای همان واجب‌الوجود در لسان فلاسفه است.

در نهایت رازی عمری را در پیکار با جنبه عقلانی فلسفه یونان به سر برد. تشکیک فخر رازی و حمله شدید بر فلسفه مشاء، زمینه

ترویج اشراقیان و صوفیان را هموار کرد. امام فخر رازی در نزدیک کردن علم کلام به علوم و حتی تصوف که آثار کلامی خود را به آن چاشنی می‌زد نقش برجسته‌ای ایفا کرد.